

تبیین گفتمانی از الگوی هویت ملی جریان اسلام‌گرایی (پیش و پس از انقلاب اسلامی)

محمدباقر خرمشاد*

علیرضا کلانتر مهرجردی**

چکیده

هویت و هویت ملی از عمده مسائل جامعه‌شناسی سیاسی است. امروزه متفکران سیاسی در سایه تحولات سریع عصر جدید، در ادبیات سیاسی از مسئله هویت بسیار سخن گفته‌اند. از راه‌های پرداختن به این مسئله در ایران، بررسی گفتمان جریان‌های فکری - سیاسی موثر در فضای سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی است. خوانش جریان اسلام‌گرا (به عنوان یکی از جریان‌های اصلی که در وقوع انقلاب اسلامی به نیروی هژمون مبدل گشت) از هویت ملی می‌تواند بستر مناسبی برای راهبری مطالعات انقلاب اسلامی بگشاید. این مقاله با روش تحلیل گفتمان و با انتخاب دکتر علی شریعتی و حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای به عنوان دو نماینده طیف اسلام‌گرایی، درصدد پاسخ به سؤال چیستی الگوی هویت ملی جریان اسلام‌گرا در پیش و پس از انقلاب است و فرض است که به میزان زیادی نمایندگان منتخب در مولفه‌ها و مفاهیم اصلی مشابهت دارند.

واژگان کلیدی

هویت ملی، گفتمان، اسلام‌گرایی، شریعتی، سید علی خامنه‌ای، انقلاب اسلامی.

*. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی - دانشگاه علامه طباطبائی دانشکده علوم سیاسی. mb.khorramshad@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. kalantarmehrjardy975@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۴

طرح مسئله

آدمی همواره دل‌بسته احساس تمایز بوده و قدیمی‌ترین گفتمان‌ها را حول خود شکل داده است. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۸۶) از این رو فرآورده گفتمانی جریان‌های یک کشور می‌تواند بر فرآیند ملت‌سازی موثر افتد. لذا اینکه ما که هستیم؟ چگونه خود را تعریف می‌کنیم؟ چه اغیاری برای خود شناسایی، و چه نسبتی با دیگران داریم؟ یک مسئله بنیادی است.

هویت‌ها، پدیده‌های فراتاریخی، عاری از مذهب، ایدئولوژی، تاریخ و جغرافیای خاص خود نیستند بلکه سازه‌های اجتماعی‌اند که با تکیه بر حافظه جمعی و تمامی منابع معرفتی و با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماع، ایجاد، تعریف و در طول زمان دوباره تفسیر می‌شوند و جوامع، حکومت‌ها و نهادها در ایجاد، حفظ و تقویت آن نقش اساسی دارند. (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۷) کاستلز^۱ می‌گوید: «منظور من از هویت، برساختن فرهنگی معنا توسط کنش‌گر اجتماعی است». (کاستلز، ۱۳۸۴: ۱۰۱) در پایان قرن بیستم مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نوین به مسئله هویت ایجاد شد که دارای ساحت هستی‌شناسانه، و بر نقش زبان و گفتمان در ساختن هویت تاکید نمود (مسکوب، ۱۳۷۹: ۱۹) که از یک طرف، باور به تشابه ذهنیت و هویت و ساختار زبان دارد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۸۶) و از طرفی دیگر گفتمان‌ها را منظومه‌های معانی دانسته که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند معنا می‌یابند. از مفروضات گفتمان این است که جهان، تنها از گذر مقوله‌بندی‌های گفتمانی ما درک می‌شود. (منوچهری و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۰۶ - ۱۰۵) جریان‌شناسی شاکله‌ای نظم‌بخش به داده‌های به ظاهر پراکنده و چارچوبی برای تحلیل هست‌های فکری از حالت کلان به خرد است که به مطالعه جامعه‌شناختی جهت تمایز حوزه اندیشگی آن جریان‌ها در بستر مناسبات، منافع و نهادهای اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۰) در همین راستا جریان - گفتمان به‌عنوان یک روش تلفیقی در بازشناسی و تبیین بهتر هویت در این مقاله بکار گرفته شد. دغدغه اصلی مقاله، واکاوی گفتمان جریان فکری - سیاسی اسلام‌گرا پیرامون هویت ملی و ترسیم مدل و الگوی این جریان بعد و قبل انقلاب است.

با عنایت به اهمیت روزافزون دین در حوزه سیاسی در ربع پایانی سده بیستم و ظهور «اسلام سیاسی» بر آن شدیم تا به واکاوی هویت ملی در جریان - گفتمان اسلام‌گرا، که به بیانی دنیا را به دو اردوگاه کاملاً مشخص تقسیم (هابرماس و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴) نموده پیردازیم لذا با انتخاب دو اندیشمند در دو برهه زمانی، در سه بخش فرهنگ، سیاست و اجتماع به‌عنوان اضلاع اصلی تعیین هویت ملی پرداخته خواهد شد.

1. Manuel Castells.

چارچوب مفهومی

۱. هویت ملی

نظریه‌های هویت در ابتدا با جیمز^۱ و مید^۲ شروع و بعدها از طریق گافمن^۳، برگر^۴ استحکام یافت. اما هویت ملی به‌عنوان یکی از هویت‌ها، اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است. (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷) از یک طرف هویت ملی فرآیند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی درباره خود، گذشته، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و ارزش‌های ملهم از تاریخ است؛ (باوند، ۱۳۷۷: ۳) و از طرفی دیگر مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور، به منزله یک واحد سیاسی را گویند. (صنیع، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

۲. اسلام‌گرایی

در عرصه عمل اجتماعی، انسان‌ها به دلایل مختلف از جمله دلایل هویتی و ایمانی به گروه‌ها و جریان‌ها و دسته‌بندی‌ها منقسم می‌شوند؛ (هابرماس و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵) جریان اسلام‌گرا هم برگرفته از دلایل هویتی ایرانیان، یکی از جریان‌های موثر قبل و بعد از انقلاب بوده است. در فرآیند مدرنیزاسیون، عرفی کردن دین و جدایی دین از حوزه سیاست، جریان اسلام سیاسی به مثابه جریان بومی و هویتی متولد شد.

بعد از دهه ۱۳۴۰ و با ظهور امام خمینی علیه السلام جریان موصوف شکل جدی‌تر به خود گرفت جریانی که جاذب کوشش‌های فکری برخی از روشنفکران بومی‌گرا هم گشت. این جریان با در اختیار گرفتن رهبری انقلاب ۱۳۵۷ و ساماندهی جامعه، اسلام سیاسی را در قامتی عام و جهان‌شمول نظم داده و جایگاه هژمون را کسب کرد.

۳. الگوی تعیین مفهومی

با مرور مدل‌های تبیین هویت ملی در نگاه پژوهشگران ایرانی و با عنایت به اینکه حاجیان هویت ملی را در هفت بعد و ابوالحسنی هویت ملی را در پنج وجه تقسیم بندی کرده‌اند این مقاله نیز با ابعاد سه گانه اجتماع، سیاست و فرهنگ - الگوی (۱) - به‌عنوان وجوه کلان و کارساز، به تعیین مفهومی الگوی هویت ملی خواهد پرداخت.

1. William James
2. George Herbert Mead
3. Erving Goffman
4. Peter Ludwig Berger



الگوی (۱) الگوی تعیین مفاهیم هویت ملی

چارچوب روشی

۱. جریان

جریان در معنای اصطلاحی، به عمل جمعی اختیاری یا هدایت‌شده، که در بستری مشترک و جهت‌ی معین حرکت داشته، گویند. لذا جریان‌شناسی در دل جامعه‌شناسی معنا یافته و به تبع آن جریان‌شناسی سیاسی در جامعه‌شناسی سیاسی مورد توجه است. (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۶۴) جریان‌شناسی به شناخت منظومه‌ای، چگونگی شکل‌گیری فکر، تبدیل فکر به یک سازمان و جنبش، مطالعه سیر تطور از تولد تا رکود و چهره‌های اثرگذار می‌پردازد. جریان‌شناسی سیاسی فهم جامع‌تر پدیده‌ها و مسایل سیاسی را در شبکه پیچیده جوامع را ممکن ساخته و راهی نو، برای تأملات درست‌تر، عینی‌تر، کاربردی‌تر و جامع‌نگران‌تر به پدیده‌های سیاسی و تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع را فراهم می‌آورد.

۲. گفتمان

معادل‌های فارسی گفتمان‌نگر، گفتار، سخن و وعظ، «بحث و مقال» است. فرهنگ لانگمن، گفتمان را به مثابه واحدهای زبانی بالاتر، که هم‌محتوا و فحوای زبانی و هم‌زمینه و بافت اجتماعی - زبانی مدنظر است در نظر می‌گیرد. زلیگ هریس^۱ به‌عنوان اولین شخصی است که واژه گفتمان را وارد حوزه زبان‌شناسی کرد. (مک دائل، ۱۳۸۰: ۱۳) گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند معنا می‌یابند. لاکلاو و موف معتقدند هر عمل و پدیده، برای

1. Zellig Harris.

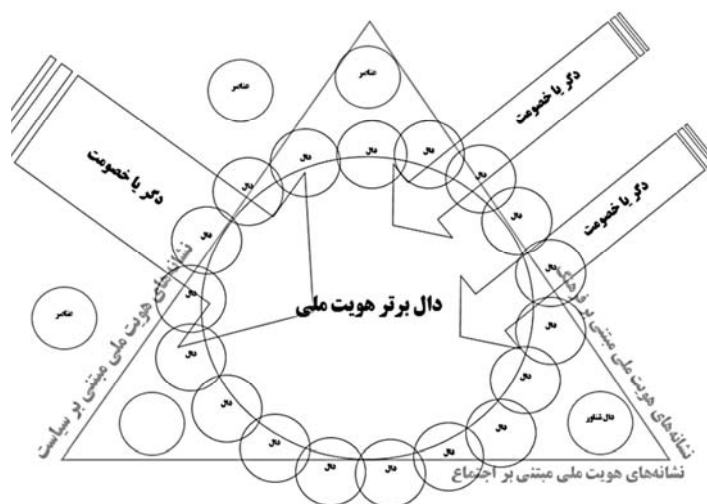
معنادار شدن و قابل فهم شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد. به عبارت دیگر، برای اینکه اشیاء و فعالیت‌ها قابل فهم باشند، باید به‌عنوان جزئی از یک چارچوب گسترده‌تر معانی در نظر آید. (خالق پناه و حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۸)

۳. جریان - گفتمان

نظریه گفتمان برای تحلیل مسایل و پدیده‌های سیاسی - اجتماعی در سطح کلان مناسب است. مفاهیمی نظیر مفصل‌بندی،^۱ هژمونی،^۲ دال مرکزی،^۳ لحظه،^۴ زنجیره هم‌ارزی،^۵ ازجاشدگی،^۶ غیریت^۷ و عناصر^۸ که در زمره مفاهیم گفتمانی به‌شمار می‌روند نیز در سطح انتزاعی و کلان مطرح می‌شوند، لذا برای بررسی این مفاهیم لاجرم می‌بایست از رویکرد مناسب استفاده نمود. مع‌الوصف آنچه را که رویکرد جریان‌شناسی در اختیار ما قرار می‌دهد با روش تحلیل گفتمانی لاکلاو و موف تلفیق می‌شود، تا به‌صورت کاربردی بتوان داده‌های مورد نظر را که در این مقاله هویت ملی است توصیف و تحلیل نمود. در الگوی جریان - گفتمان، با توجه به ظرفیت‌های روش گفتمانی و ظرفیت‌های رویکرد جریان‌شناسی سیاسی، بسان معجونی مشترک می‌توان با بهره‌گیری از آنها به مولفه‌های زبان، زمان، بستر واقعیت‌های اجتماعی و جریانی به‌طور هم‌زمان پرداخت.

رویکرد جریان که سبقه عمل اجتماعی و اندیشه‌ایی یک فکر را مشخص می‌نماید با قرارگرفتن در کنار گفتمان در الگوی تحلیلی جریان - گفتمان، قادر به بررسی ساختار درونی یک اندیشه، توضیح چگونگی معنایابی مفاهیم، نحوه جذب مفاهیم جدید در یک گفتمان و تغییر آن، توضیح رقابت و غیریت‌سازی بین گفتمان‌ها، تبیین نقش رهبران به‌عنوان سوژه‌های سیاسی در تحقق و شکل‌گیری گفتمان‌ها و توضیح تحول اجتماعی گفتمان‌ها و فرآیند افول گفتمان‌های مسلط و شرایط غلبه گفتمان‌های جدید خواهیم بود. الگوی (۲) بیانگر چگونگی کاربست روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف برای پرداختن به موضوع خوانش‌های هویت ملی می‌باشد که در آن ضمن توجه به سه وجه پیش‌گفته سیاست، اجتماع و فرهنگ، دال‌ها، دگرها و عناصر تبیین خواهند شد.

1. Articulation.
2. Hegemony.
3. Nodal point.
4. Moments.
5. Equivalence.
6. Dislocation.
7. Antagonism.
8. Elements.



الگوی (۲) تبیین گفتمانی هویت ملی

جریان - گفتمان اسلام‌گرا و هویت ملی

عقلانیت در هر سنت فکری به مرور زمان کامل می‌شود. (هابرماس و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵) جریان - گفتمان اسلام‌گرا هم برگرفته از دلایل هویتی ایرانیان در فرآیند مدرنیزاسیون و عرفی کردن دین و جدایی دین از حوزه سیاست مولد اسلام سیاسی^۱ به مثابه دفاع از هویت شد. به تدریج این جریان - گفتمان با دال‌های مدنظر خود به مفصل‌بندی مفاهیم، همت‌گماشته و هژمون گردید. هر چند بین اسلام‌گرایی و بنیادگرایی برگرفته از حرکت اعتراضی مسیحیان پروتستان در آمریکا در اوایل قرن بیستم تفاوت‌هایی به نظر می‌رسد اما از لحاظ پذیرش دال مرکزی «تحول بر اساس دین» دیوار به دیوار هم فرض شده‌اند.

جریان - گفتمان اسلام‌گرایی حول دال مرکزی «تحول خواهی بر پایه اسلام» بر ایجاد حکومت اسلامی تأکید داشته و در گفتمان اسلامی - انقلابی خود، هویت را به مثابه «امت واحده اسلامی» و ایزدهای «بیگانه هراسی» و «جامعیت دین» بازنمایی می‌کند و در مقابل دیگر جریان - گفتمان‌ها، به یگانگی دین و سیاست معتقد است.

متفکران و عاملان سیاسی^۲ نقش راهبردی در پیش‌برندگی، موفقیت و یا شکست یک گفتمان دارند؛ در همین راستا با گزینش دکتر علی شریعتی و آیت الله سید علی خامنه‌ای به‌عنوان دو نماد جریان گفتمان

1. Political Islam.
2. Political Subjects.

اسلام‌گرا که بر اساس میراث اندیشگی سیدقطب پیرامون بازگشت به اصل و ذات دین و حاکمیت خداوند به جای حاکمیت طاغوت به گسترش این اندیشه در تمام شئونات زندگی تأکید داشته‌اند پرداخت. (سیدقطب، ۱۳۷۸: ۷۴)

۱. دکتر علی شریعتی؛ نماد جریان اسلام‌گرا قبل انقلاب

دکتر شریعتی متولد سال ۱۳۱۲ در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. وی در ۱۹ سالگی ترجمه «ابوذر» را به اتمام رساند. اولین بازداشتش در سال ۱۳۳۱ در واقع نخستین رویارویی وی با دنیای سیاست محسوب می‌شد. (شریعت رضوی، ۱۳۷۶: ۲۹ - ۲۸) شاید آغاز شکل‌گیری گفتمان شریعتی را بتوان در سال ۱۳۳۷ هم‌زمان با ازدواج متفاوت و متضادش دانست. شریعتی پس از حضور در فرانسه «شهر قشنگ، ولی وحشی، سرد و بی مزه» کتاب نیایش کارل را ترجمه نمود و نزد گوروویچ^۱ و برک^۲ به تعبیر خودش: «دانشته‌های بی‌پرده‌ای را که در اینجا آموخته بودم و به کارم نمی‌آمد، همه به دردخور، و ارجمند شدند». پس از دستگیری و آزادی چندین باره، در سال ۴۳ و پس از ترجمه سلمان پاک، به‌عنوان استادیار تاریخ، وارد دانشگاه مشهد شد. (شریعت رضوی، ۱۳۷۶: ۵۸ - ۹۵)

یک سال پس از تالیف کویر درحالی‌که برخی تصور می‌کردند او به دامن رمانتیسم غلتیده و یا بُریده است؛ در سال ۱۳۴۸ با سخنرانی‌هایی در دانشکده فنی تهران نشان داد که نه تنها بُریده بلکه بی‌هیچ گفتگویی پربارترین دوران حیات اوست. (شریعت رضوی، ۱۳۷۶: ۱۲۹ - ۱۵۰) دوره فعالیت «ارشاد» آغاز فعالیت جریان - گفتمان اسلام‌گرا و رشد و بالندگی دانشجویان مذهبی در برابر گفتمان هژمون آن سال‌ها یعنی جریان - گفتمان سوسیالیسم مارکسیسم بود. از زمان دستگیری شریعتی در سال ۱۳۵۲ تا فروردین ۱۳۵۴ که آزاد شد؛ جریان - گفتمان اسلام‌گرا گسترش بیش از پیش یافت. پس از آزادی و به تعبیر خودش از ترس نفله شدن نه مرگ، عزم هجرت نمود که قرین هجرت از دنیا گردید.

یک. ابعاد و نشانه‌های هویت ملی در اندیشه شریعتی

برای شناخت هویت ملی به‌عنوان یکی از موالید عصر جدید در نگاه شریعتی، بی‌گمان می‌بایست دال‌ها و نشانه‌های گفتمان شریعتی را واکاوی نمود. اندیشه شریعتی از پایگاه اسلام انقلابی، کتاب امت و امامت گرفته تا صورت‌بندی شهادت، مبارزه، نقد علمی مارکسیسم و ترسیم رهبری متعهد انقلابی منجر به جریانی گردید که در پی یافتن نشانه‌های «هویت ملی» آن هستیم.

1. Georges Gurvitch.
2. Jaques berque.

الف) فرهنگ؛ نشانه‌ها و هویت ملی

شریعتی اساساً تیپ فرهنگی ما را مذهبی می‌دانسته و از نظرش اسلام عنصر بنیادین هویت ایرانی - اسلامی است. (خرمشاد و سرپرست، ۱۳۸۹: ۳۸) شریعتی هویت را یک مسئله روحی می‌داند که ریشه در گذشته دارد و در طول تاریخ شکل می‌گیرد و گسست از گذشته تاریخی و فرهنگی منجر به بی هویتی می‌شود. انسان بی هویت که گذشته ندارد آینده نیز نمی‌تواند داشته باشد. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۲۵ / ۳۴۱) وی معتقد است انسان تا زمانی که مذهب، ادبیات، رنج‌ها و نیازهای خودش را دارد «خودش» باقی می‌ماند و هنگامی که از خود بیگانه می‌شود، رنج‌ها و نیازهایی را در خود احساس می‌کند که رنج‌های واقعی او نیستند. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۲۵ / ۲۰۲) نظام سرمایه‌داری با نفی، مسخ و تحریف فرهنگ ملل جهان سوم، آنها را نیز از خودشان بیگانه نمود تا به موجوداتی تهی تبدیل گردند. (شریعتی، ۱۳۷۳: ۲۰ / ۳۳۴) بدین ترتیب شریعتی حوزه گفتمان فرهنگی «خود» را با تبیین «دگر» بازسازی کرد تا از «تک محصولی» شدن و «تک فرهنگی» شدن جهان توسط استعمار ممانعت نماید. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۲۵ / ۳۴۳) او تحول همه جانبه در جامعه را از طریق خودآگاهی فرهنگی و همچنین بازگشت به خویشن اسلامی امکان‌پذیر می‌داند و بر آن است که در احیا و حرکت بخشیدن به جامعه، ایجاد یک پروتستان‌تیسیم اسلامی (شریعتی، ۱۳۷۳، ۲۰ / ۲۹۴) لازم است؛ تا با استخراج ذخایر فرهنگی جامعه عناصر منحط و متراکم شده را به انرژی و حرکت تبدیل کند (شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۲۲۷) و اسلام از یک سنت به یک ایدئولوژی تبدیل شود. (توسلی، ۱۳۷۴: ۶۰)

دین به‌عنوان یکی از عناصر مهم هویت ملی در حوزه گفتمان شریعتی، جایگاه ویژه‌ای دارد. شریعتی با ارائه طرحی ایدئولوژیک از آرمان دینی، اسلام را به مثابه ایدئولوژی جامع و انقلابی معرفی می‌نماید (شریعتی، ۱۳۷۹: ۱۶ / ۲۹) تا مذهب را از انحصار قالب‌های تکراری نجات دهد و آن را به حرکت بدل سازد. (شریعتی، ۱۳۷۳: ۱ / ۳۷) وی ارتقای اسلام به ایدئولوژی را مقدمه‌ای برای آگاهی توده‌ها و ایجاد یک نهضت رهایی‌بخش تلقی می‌کند. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۷ / ۱۰۵) شریعتی اسلام را تأمین‌کننده نیازها و حلال مشکلات مادی و معنوی انسان در همه شرایط متفاوت اجتماعی می‌دانست (شریعتی، ۱۳۷۹: ۱۶ / ۷۴) و معتقد بود که تشیع به یک تجدید نیروی پایدار یا انقلاب نیازمند است. (رهنما، ۱۳۸۱: ۴۶۱)

شریعتی از همه عناصر فرهنگی برای ساخت هویت مدنظرش کمک می‌گرفت و خواهان انقلاب و حرکت در بستر همه آنان بود (شریعتی، ۱۳۷۳: ۱ / ۱۵) در همین راستا نوروز، آریایی بودن و ... را نیز به دایره گفتمانگی‌اش سوق داد. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۵۰۴) نوروز برای شریعتی نه تنها بخاطر تأیید مذهب، بلکه بخاطر واسطه فرهنگی و زنجیره‌ای که گذشته هویتی ملت ایران را به آینده آن گره می‌زند مهم جلوه می‌کند. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۵۰۳)

ب) سیاست؛ نشانه‌ها و هویت ملی

شریعتی لیبرالیسم را به دلیل سیاست‌های امپریالیستی دول غربی و ابتذال اخلاقی آن جامعه شایسته سرزنش دانست و مارکسیسم را نیز به دلیل ماهیت ماتریالیستی و ضدیتش با مذهب نکوهش کرد؛ لذا طرح‌واره حکومت مدنظر شریعتی را می‌توان از لابلای سخنرانی‌هایی دریافت که با استبداد در هر شکل آن مخالف بود. (شریعتی، ۱۳۷۳: ۲ / ۱۷۳) شریعتی علیرغم پذیرش مفاهیم دموکراسی اما می‌دانست که برای «انقلاب ایدئولوژیک» اجرای دموکراسی در ابتدا در جامعه قبایلی غیرممکن می‌باشد و لازم می‌دید با طی یک دوره، «رهبری متعهد انقلابی» جامعه متمدن دموکراتیک را بسازد. (شریعتی، ۱۳۷۵: ۵ / ۴۸) بدین ترتیب از «دموکراسی هدایت شده» حمایت می‌کند. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۳۱ / ۲۱۹)

در نگاه به عنصر هویتی حکومت، شریعتی در جغرافیای زمان و مکان سکولاریسم با مشکل مواجه است لذا اگر چه غیرمذهبی شدن حکومت را برای جهان غرب مفید می‌دانست، اما آن را نه تنها برای ایران مفید تلقی نمی‌کرد، بلکه استعماری و توطئه‌قارنده بندهان می‌دانست (شریعتی، ۱۳۷۳: ۲ / ۱۷۹ - ۱۷۵) بدین ترتیب وی تفکیک روحانیت از سیاست را توطئه استعمار می‌داند.

شریعتی به طرح شیعه به‌عنوان یک حزب تمام و مسئولیت شیعه بودن اشاره می‌کند (شریعتی، ۱۳۷۹: ۷ / ۱۴ و ۲۶۷ - ۲۶۵) از طرفی آزادی در آثار شریعتی را می‌توان از دو ساحت (ستایش و نکوهش) مورد بررسی قرار داد. شریعتی متأثر از سارتر آن‌جایی که آزادی را آگاهی و اراده می‌داند و یا آنجایی که سخن از آزادی اجتماعی (شریعتی، ۱۳۷۳: ۲ / ۱۱۷) و یا آزادی معنوی می‌رود، آزادی را می‌ستاید. اما آزادی بی‌جهت اگزستانسیالیسم و یا آزادی موجود در جوامع غربی به نام آزادی فردی، همواره مورد انتقاد شریعتی بوده است. در این دو ساحت می‌توان به‌خوبی «خود» و «دگر» مفهومی آزادی در گفتمان شریعتی را یافت؛ «دالی» که به‌گفته شریعتی اگر کمترین خدشه به آن وارد شود یک فاجعه خواهد بود. (شریعتی، ۱۳۷۳: ۲ / ۱۴۹) از این سخن و مفهوم می‌توان دریافت که گفتمان شریعتی را با عنایت به زیست جهان زمانه‌اش باید قضاوت کرد.

ج) اجتماع؛ نشانه‌ها و هویت ملی

تاریخ به‌عنوان یکی از عناصر هویت ملی در نگاه شریعتی از عوامل مهم پیوند نسل‌ها است؛ وی باور دارد که گسستگی و بیگانگی تاریخی و فرهنگی جامعه اسلامی امروز، به معنای جداشدن جامعه از همه موارد، مفاخر انسانی و سرمایه‌های معنوی‌اش می‌باشد (شریعتی، ۱۳۷۵: ۴ / ۵۳) جدایی و گسستگی از دال تاریخ وسیله‌ای برای استعمارگران است تا با نفی اصالت یک ملت بر آنها چیره گردند. (شریعتی، ۱۳۷۳: ۲ / ۳۴۴) از نگاه شریعتی هر انسانی عبارت است از من فشرده تاریخ «خود» (اشکوری، ۱۳۷۸: ۵۶)

چنین انسانی دارای شایستگی‌های انسانی است، می‌تواند بسازد، انتخاب کند، بر روی پاهای خودش بایستد و حس کند که غنی است. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۲۵ / ۳۴۱) شریعتی مردمی را بارور و انقلابی می‌داند که از سنت، فرهنگ و تاریخ بهره‌ای برده در غیراین صورت آنها که از در می‌آیند و می‌روند، چهارپایان نجیب و ساکت تاریخ‌اند.

شریعتی می‌نویسد:

تمدن امروز زاینده اندیشه نوابغ نیست؛ بدین ترتیب با تکیه بر توده مردم و عنصر محرک قرآنی به نام «ناس» از نیاز اجتماعی به نام «امت واحد» پرده برمی‌دارد و از امت به‌عنوان کهن‌ترین اصول اعتقادی اسلام و برجسته‌ترین خصیصه شیعیان نام می‌برد. (شریعتی، ۱۳۵۸: ۲۸ - ۵)

شریعتی پدیده ناسیونالیسم را می‌پذیرد و در دفاع از هویت ملی ایرانی و جبهه‌های فرهنگی و تاریخی، به‌ویژه اساطیر ایران و گاه عنصر آریایی، تا آنجا پیش می‌رود که با بسیاری از اندیشمندان ناسیونالیسم، هم سخن می‌شود. با این همه زنجیر، هم ارزی شریعتی اسلام و تشیع است وی تشیع را یکی از جنبه‌های ملی هویت ایرانی و «میعادگاه روح سامی و روح آریایی» می‌خواند. (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۷۴) از نظر شریعتی تعامل ملیت ایران با دیانت اسلام پس از انقطاع از دیانت باستانی زرتشت، چنان عمیق است که جداسازی‌شان کاری غیرممکن است، از این جهت هویت ایرانی چیزی جز مسلمانی ایرانی نیست. (کچویان، ۱۳۸۴: ۱۳۵)

شریعتی باور دارد کلمه «ملت» در قرآن به معنای ایدئولوژی است (شریعتی، ۱۳۷۹: ۷ / ۹۱) و هیچ ملتی با یک نسل و دو نسل شکل نمی‌گیرد؛ ملت مجموعه پیوسته نسل‌های متوالی بسیار است، اما زمان، تیغ بی‌رحم، پیوند نسل‌ها را قطع می‌کند میان ما و گذشتگان مان دره هولناک تاریخ حفر شده است؛ که تنها سنت‌ها ما را از این دره هولناک گذر می‌دهند و با گذشتگان مان و با گذشته‌هایمان و «خود خویش» آشنا می‌سازند (شریعتی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۵۰۳) این خود برای شریعتی نه خون بلکه هم‌فکری و هم اعتقادی است:

خویشاوندترین کسان من به من کسانی هستند که مثل من می‌اندیشند و ایمانی هم رنگ من دارند و در مقایسه با همه پیوندهای دیگر، برآستی چنین است.

با این اوصاف وی ضمن تبیین حوزه گفتمانگی خود پیرامون دال شناور «نژاد» بر عنصر «امت» نیز معنایی تازه می‌بخشد تا اینجا شریعتی بخوبی عنصر مدنظرش را معنا می‌دهد اما این موضوع سبب نمی‌شود از «انقلاب» به‌عنوان دال مرکزی خود غافل شود لذا در ادامه می‌نویسد: «هم فکری و هم اعتقادی گرچه عالیتر از آن پیوندهاست ولی هیچ نیست! به قول سارتر اساساً وجود ندارد چون از عمل نگذشته است. (شریعتی، ۱۳۵۸: ۶۵)

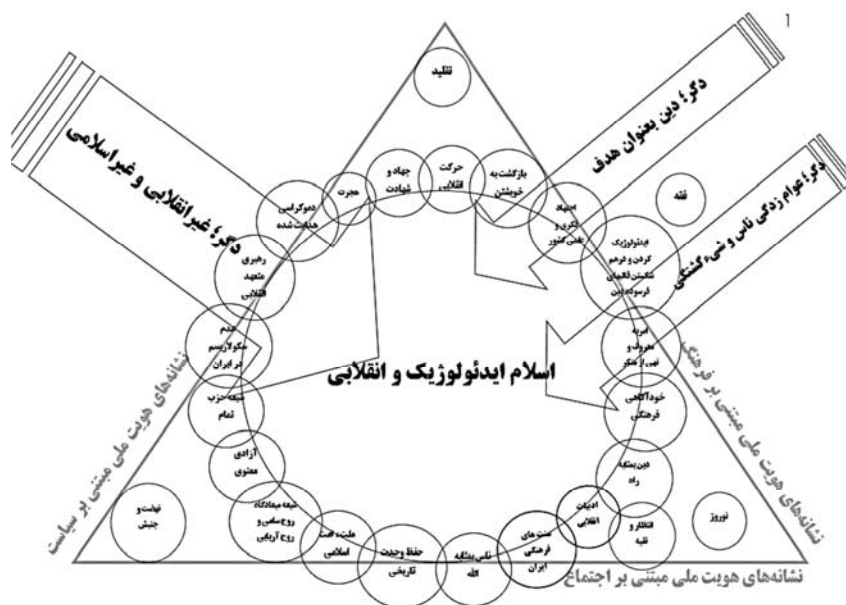
دو. الگوی هویت ملی شریعتی در حوزه گفتمانگی اسلام‌گرا

«دگر» و «خودشناسی» شریعتی معطوف به بازگشت به خویشتن اسلامی است اصلی که همه عناصر با توجه به آن مفصل‌بندی گردید. شریعتی با طرح دو انگاری «خود» و «دگری» با مهارت گفتمان‌سازی کرده، با سخن از امت واحد اسلامی آن را با «غرب استعمار» غیریت‌سازی می‌کند و می‌نویسد: جنگ آزادی‌بخش ضد استعماری، یک جنگ اسلامی است، نه مسلمانی، خود اسلام باید از زندان قرن‌ها پیش نجات پیدا کند. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۱۰ / ۱۵۳)

نمودار (۳) دال‌ها و دگرهای گفتمان شریعتی		
دال برتر: اسلام ایدئولوژیک و انقلابی		
بخش	دال و عناصر شناور	دگرهای گفتمانگی
فرهنگی	خویشتن اسلامی	انسان بی هویت
فرهنگی	اسلام ایدئولوژیک	اسلام غیرایدئولوژیک
فرهنگی	انسان مسئول	انسان بی مسئولیت
فرهنگی	فرهنگ مستقل	انحلال در فرهنگ غرب
فرهنگی	خودآگاهی	الیناسیون
فرهنگی	دین به مثابه راه	دین به مثابه هدف و وسیله
فرهنگی	شیعه مسئول	شیعه بی مسئولیت
فرهنگی	ادبیات انقلابی	ادبیات آه و ناله
اجتماعی	تعامل دین اسلام و زرتشت‌گرایی	عدم توجه به میراث معنوی
اجتماعی	ناس ب‌مثابه الله	رعیت
اجتماعی	آگاهی از خود تاریخی ایران	نژادپرستی
اجتماعی	توجه به میراث تاریخی، فکری، معنوی	بیگانه شدن با گذشته تاریخی، معنوی
اجتماعی	آگاهی اجتماعی	انسان از خودبیگانه
اجتماعی	ملت، امت واحد اسلامی	ملی‌گرایی
اجتماعی	پیوند و خویشاوندی فکر	خویشاوندی خون و خاک
اجتماعی	شیعه میعادگاه روح سامی و آریایی	تفکیک هویت ایرانی از اسلامی

سیاسی	آزادی جهت‌دار	آزادی اگزیستانسیالیسم / آزادی بی‌جهت
سیاسی	سیاسی شدن توده‌ها	ترس از سیاسی شدن توده‌ها
سیاسی	دموکراسی هدایت شده	دموکراسی تمام
سیاسی	دموکراسی رای‌ها	دموکراسی رأس‌ها
سیاسی	اسلام آزادی بخش	تشیع نهادی شده
سیاسی	انقلاب دایمی	انتظار برای انقلاب
سیاسی	شیعه حزب تمام	تشیع نهادی شده
سیاسی	عدم سکولاریسم	سکولاریسم
سیاسی	اسلام انقلابی	اسلام رفرمیستی

مطابق الگوی (۴) در اندیشه شریعتی «اسلام ایدئولوژیک و انقلابی» دال مرکزی وی برای فهم هویت ملی است؛ مضمون شیعیانه و اسلام‌خواهانه در همه عرصه‌ها با مفهوم هویت ملی به‌عنوان زنجیره هم‌ارزی بهره‌برداری شده است به‌نحوی که حتی عناصر سنت باستانی ایران را با این زنجیر هم‌ارزی به شیعه گره زده و از نوروز به‌عنوان روز نخست آفرینش و از شیعه به‌عنوان یکی از جنبه‌های روح سامی و آریایی یاد می‌کند. مفهوم هویت نزد شریعتی وقتی با اسلام آمیخته می‌شود به مثابه امت واحده اسلامی ظهور می‌کند؛ ولایت فقیه تقریباً برآیند مؤلفه و عناصر تبیین شده‌ای چون دموکراسی هدایت شده، رهبری متعهد انقلابی، اجتهاد فکری و علمی، امر به معروف و نهی از منکر توسط وی است. البته نباید بسیاری از عناصر تبیین شده شریعتی را که در بازه اسلام ایدئولوژیک و اسلام پلورالیستی در نوسان است را در برآیند حکومت اسلامی هژمون و فعلی گنجانید مثل عناصر آزادی معنوی، دموکراسی هدایت شده پیش زمینه دموکراسی تمام، دین به مثابه راه و... چراکه همانطور که لاکلاو و موف آموخته، تغییر در گفتمان‌ها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می‌شود که دیگر شریعتی بدان دسترسی نداشته است؛ البته ارتباط گفتمان با واقعیت‌های بعد انقلاب ارتباطی دیالکتیکی بوده و الزامات و اقتضائات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، مطالبه نظام معنایی خاصی را نموده است. اما در مجموع مؤلفه‌ها و عناصر تبیین شده شریعتی به نسبت دیگر گفتمان‌ها تغییر کمتری را بخود دیده است در چنین بستری است که هویت ایدئولوژیک و انقلابی به‌مثابه هویت ملی ظهور می‌کند و شریعتی با دمیدن در مفاهیم توده‌ای مثل بسیج ناس، تأکید بر هویت اسلامی و فرا ایرانی، کوشش برای ایجاد همبستگی ابزارگونه و ارزشی به جای همبستگی اندام وار و کارکردی، تأکید بر ایمان به جای شهروندی سعی نمود هویت ملی جریان - گفتمان اسلامی را شکلی نو زند.



الگوی (ع) گفتمان هویتی شریعتی

۲. آیت الله سید علی خامنه‌ای: نماد جریان اسلام‌گرا بعد انقلاب

سیدعلی حسینی خامنه‌ای در ۲۴ فروردین ماه سال ۱۳۱۸ م‌قارن با سال‌های جنگ دوم جهانی، در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. پس از فراگیری مقدمات، عازم شهر مقدس قم گردید. وجهه سیاسی امام علیه السلام برای اولین بار در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بر وی مکشوف شد و آغاز این آشنایی مصادف شد با دستگیری در ۱۳۴۲، با این حال اولین بارقه‌های اسلام‌گرایی خود را مدیون نواب صفوی می‌داند. پس از تأسیس حسینیه ارشاد، به دعوت شهید مطهری در سال ۱۳۴۸ در آن محفل حضور یافت. آیت الله خامنه‌ای در مصاحبه‌ای با مجله سروش (شماره ۱۰۲، خرداد ۱۳۶۰) می‌گوید:

من امروز می‌بینم کسانی که به نام شریعتی و به‌عنوان دفاع از او درباره شریعتی حرف می‌زنند، کمک می‌کنند تا شریعتی را هرچه بیشتر منزوی کنند ... البته من تصدیق می‌کنم که بخشی از شخصیت شریعتی مبالغه‌آمیز و افسانه‌آمیز جلوه می‌کند ... اما متقابلاً شریعتی یک چهره پرسوز پیگیر برای حاکمیت اسلام بود.

پس از چند بار دستگیری، پنجمین بازداشت وی در راستای اعتراض به جشن ۲۵۰۰ ساله در دی ۱۳۵۳ و در نهایت پس از آن رژیم پهلوی اقدام به تبعید وی به شهرهای مختلف از جمله ایرانشهر و جیرفت کرد. پس از انقلاب از سوی امام علیه السلام به عضویت در شورای انقلاب اسلامی منصوب و از اواخر تیر ۱۳۵۸ به‌عنوان

معاونت امور انقلاب وزارت دفاع، و پس از آن هم‌زمان به سرپرستی سپاه و امامت جمعه تهران و متعاقباً به نمایندگی مجلس شورای اسلامی و بعد از شهادت رجایی توسط مردم به‌عنوان ریاست جمهور انتخاب می‌گردند؛ گفتنی است پیش از این با توجه به ترورهای زنجیره‌ای دهه شصت، ایشان نیز مجروح گردید. در پی اختلافات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در تصویب لوایح مختلف و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیت الله خامنه‌ای به‌عنوان اولین رئیس مجمع تشخیص مصلحت منصوب گردید و از ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ نیز به‌عنوان جانشین حضرت امام (علیه السلام) برگزیده شدند.

یک. ابعاد و نشانه‌های هویت ملی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

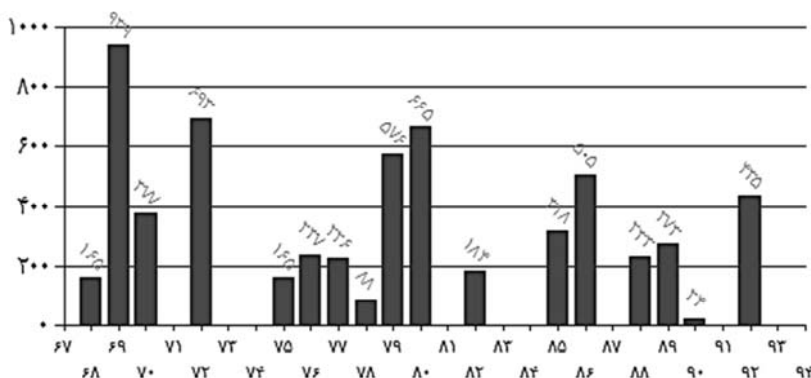
جایگاه آیت الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران و همچنین بررسی طیفی مناسب جریان اسلام‌گرایی (شریعتی یک سمت طیف) بیان‌گر لزوم و اهمیت تبیین «هویت ملی» در نگاه و حوزه اندیشگی این متفکر و عامل اسلام سیاسی دارد.

الف) فرهنگ؛ نشانه‌ها و هویت ملی

آیت الله خامنه‌ای در باب فرهنگ می‌گویند: در حقیقت فرهنگ است که هویت و شاکله معنوی یک ملت را معین می‌کند. طبعاً این فرهنگ، شاخص‌هایی دارد که از روی این شاخص‌ها، یک ملت هویتش را کشف می‌نماید، (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳) بدین ترتیب با تبیین فرهنگ و پیوند آن با معنویت، «فرهنگ معنوی» را یک از دال‌های هویت ملی می‌دانند. (بیانات، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳) در همین راستا به قدرت‌های استکباری و «تئوری سازی استعمار» به‌عنوان «دگر» فرهنگ در هویت ملی اشاره می‌کنند. (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹ و ۱۳۸۷/۰۲/۱۶) نگاه آیت الله خامنه‌ای به استعمار و تهی شدن فرهنگ یک ملت بسان «الینه شدن» در اندیشه شریعتی را می‌توان از عناصری دانست که موجبات رشد دال «مبارزه با تهاجم فرهنگی» در جریان گفتمان اسلام‌گرا علی‌الخصوص بعد از انقلاب است. وی در برابر این تهاجم، دال استقلال را برجسته و از «استقلال فرهنگی» و «انسان فرهنگی» به‌عنوان عناصری که می‌توانند در برابر این تهاجمات بایستند نام می‌برند: «ما باید حرکت کنیم ... به‌سمت استقلال به‌معنای حقیقی کلمه - شامل استقلال فرهنگی - باید برویم، به‌سمت بازیابی حقیقی هویت اسلامی ایرانی خودمان». (بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴)

دین در نگاه ایشان در مقابل ملیت قرار نمی‌گیرد بلکه دین یکی از ارکان اساسی فرهنگ و هویت ملی محسوب می‌گردد (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸) و معتقد است هرعامل و هر مبلغی که پایه این ایمان را سست کند؛ یعنی با عزت ملی، با افتخار ملی و با سعادت ملت به مقابله می‌پردازد. (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱)

وی جامعه بدون تقوا و بدون دین را بی‌هویت دانسته و تأکید می‌کند ملت‌ها بر اثر انقطاع از دین دچار سرگردانی و ذلت می‌شوند (بیانات، ۱۳۹۱/۳/۳) وی بر این باور است «که ایران اسلامی همان هویت گمشده‌ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمان‌های خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد». (بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۶) آیت الله خامنه‌ای با «دین حداقلی» به‌عنوان «دگر» غیریت‌سازی می‌کند: «دین حداقلی و اکتفای به حداقل‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به‌عنوان دین حداقلی نداریم» وی در ادامه ضمن اشاره به آیات قرآن از اسلام سیاسی و عدم انفعال در برابر اسلام‌هراسی دفاع می‌کند و آنها را ترسو می‌نامد. (بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱) بر همین محور ضمن تأکید بر عنصر جهاد در اسلام به انواع آن، «جهادی بودن»، «مدیریت جهادی»، «روحیه جهادی»، «فرهنگ جهادی»، «علم جهادی» اشاره می‌نماید:



نمودار (۵) تبیین عددی - تاریخی کلید واژه جهاد فرهنگی

آیت الله خامنه‌ای «انقلاب» را تضاد و از جاشدگی با عنصر «دین» می‌داند: «امروز کسی نمی‌تواند بگوید من متدین هستم، اما در تضاد با انقلابی باشد که براساس دین است» (بیانات، ۱۳۷۲/۹/۲۴) بدین ترتیب وی دنیای امروز را آماده «حرکت» امت اسلامی جهت تحقق اخلاق، معنویت و روح دینی می‌داند (بیانات، ۸۶/۱/۱۷) و می‌تواند تداعی «انقلاب دایمی» در گفتمان شریعتی باشد.

زبان به‌عنوان یکی دیگر از نشانه‌های هویت ملی در نگاه آیت الله خامنه‌ای حامل فرهنگ است به‌همین‌منظور (بیانات، ۹۲/۰۲/۱۹) وی بر عنصر پالایش زبان تأکید دارند اما در این میان برای عربی استثنا قایل است؛ وی ضمن برشمردن اهمیت زبان فارسی در تاریخ ایران و اسلام، از بکار بردن زبان فارسی به‌صورت انگلیسی یا آنچه در عامه با «فینگلیش» مصطلح شده ابراز تأسف می‌کنند. ایشان در تبیین تمدن اسلامی (بیانات، ۹۱/۰۷/۲۳) با اشاره به جغرافیای زبان فارسی در هند معتقد است که زبان

استعمار به‌عنوان «دگر» فرهنگی جایگزین زبان فارسی شد؛ بدین ترتیب «خودشان را تحمیل کردند، این می‌شود فرهنگ مهاجم، بنابراین فرهنگ غرب، مهاجم است».

ب) سیاست؛ نشانه‌ها و هویت ملی

هدف اصلی این جریان - گفتمان استقرار حاکمیت الهی است. سید قطب حکومت اسلامی را ناشی از دو اصل اجرای شریعت و انتخاب مردم می‌داند. (قطب، ۱۹۸۳: ۵۸) آیت الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های مختلف ضمن یادآوری سخنانی از سید قطب بر تشکیل «حکومت اسلامی» به‌عنوان حداقل کار مسلمانان تأکید داشته و معتقد است که نظام جمهوری اسلامی از هزاران کتاب پیرامون تشکیل حکومت مؤثرتر است. (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۳) وی فقه اسلام را مقررات اداره زندگی مردم معرفی کرده و بسان امام علیه السلام حکومت را فلسفه عملی فقه می‌داند (مشکانی، ۱۳۹۰: ۵۵) و معتقد است ولایت عینیت توحید در جامعه است و بر این موضوع اصرار دارند که «هر ولایتی به جز ولایت خدا و جانشینان او، ولایت شیطان و طاغوت» است. (حسینیان، ۱۳۸۳: ۲۰۳)

حکومت ولایت فقیه از منظر آیت الله خامنه‌ای «یعنی ولایت الهی که منتقل می‌شود به فقیه، مشروط است به پابندی بر احکام الهی» (بیانات، ۱۳۸۵/۰۳/۱۴) در مجموع این اصل مرز بین «خود» و «دیگری» را مشخص نمود. در همین راستا وی ضمن آگاهی به تفاوت میان سکولاریسم و بی‌دینی معتقد است که دشمنان ولایت فقیه «از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است». (بیانات، ۱۳۹۵/۵/۲) این گفتمان به مثابه پیش از انقلاب اسلامی و در ادامه همان روند است، حتی سکولاریسمی که با دین مخالف نیست را به حاشیه می‌راند و خواهان اسلامی است که «اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است» (بیانات، ۱۳۹۲/۰۸/۲۰) بدین ترتیب ضمن افتخار به ایدئولوژیک کردن دین، از حوزه علمیه درخواست می‌کند که این کار را به نفع مطلوب به انجام رساند. (بیانات، ۱۳۶۸/۰۹/۷)

آیت‌الله خامنه‌ای در جایی ضمن تأکید بر ارتباط عمیق دین ایدئولوژیک و هویت ملی می‌گویند:

اگر چه که آن رژیم دعوی ملیت داشت، واقعاً هم دنبال ملیت می‌گشت؛ چون ایدئولوژی که نداشتند؛ ناچار بودند یک جایگزین لازم دارد. این جایگزین را ملیت قرار داده بودند. لذا ملیت را دنبال می‌کردند لکن آن ملیتی که دنبال می‌کردند، به معنای واقعی به معنای حفظ هویت ملی نبود. (بیانات، ۱۳۸۶/۵/۳)

در سیاست خارجی، از منظر آیت الله خامنه‌ای، امریکا یکی از عوامل مشکلات در منطقه است (بیانات، ۱۳۹۵/۰۵/۱۱) و دشمنی امریکا با انقلاب ایران توهم توطئه نیست بلکه یکی از واضح‌ترین امور

است (بیانات، ۹۵/۳/۱۴) بی‌اعتمادی به امریکا مسئله‌ای است که آیت‌الله خامنه‌ای آن را در بیانات خود بارها تکرار کرده و باور دارند امریکا دشمن است. (بیانات، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸) بدین ترتیب «غیریت‌سازی با غرب، علی‌الخصوص امریکا» به‌عنوان یکی از «دگر» های برجسته در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای تثبیت می‌شود و تاکنون تغییری در آن حاصل نشده است.

وجوه دیگر سیاست مثل آزادی و تحزب با عنایت به حوزه گفتمان‌نگی جریان - گفتمان اسلام‌گرا با «اسلام» مفصل‌بندی می‌شود:

هیچ لزومی ندارد که ما به لیبرالیسم قرن ۱۸ اروپا مراجعه کنیم و دنبال این باشیم که «کانت» و «جان استوارت میل» و دیگران چه گفته‌اند! ما خودمان حرف و منطق داریم. خواهیم گفت که آن حرف‌ها به دلایلی نمیتواند برای ما راهگشا باشد. مقوله آزادی را اسلامی بدانید. (بیانات، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲)

و همچنین در مورد تحزب بسان شریعتی بر نقش اندیشگی حزب تأکید می‌شود:

هدف بایستی هدایت فکری مردم به‌سمت آن فکر درستی باشد که خود شما به آن اعتقاد دارید. این عقیده من درباره تحزب است. (بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۴)

ج) اجتماع؛ نشانه‌ها و هویت ملی

در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، «خودفراموشی» و فراموش کردن خود امری خطرناک است که وجود آن در ادبیات سیاسی یک کشور، به ذلت و خواری مردم آن کشور می‌انجامد. (بیانات، ۱۳۸۰/۹/۲۱) هویت علاوه بر اینکه در بستر اجتماعی و هم‌بستر بحران‌ها تبدیل به یک مسئله می‌شود، بستر تاریخ‌مندی نیز دارد؛ (خرمشاد و سرپرست، ۱۳۸۹: ۳۱) به همین منظور ایشان در گفتمان خود تاریخ را مسئله مهمی می‌دانند: «تاریخ چیز مهمی است. تاریخ را به‌عنوان یک چیز کوچک یا حاشیه‌ای نباید خیال کرد؛ تاریخ واقعاً مهم است». (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۸) اما توجه به عنصر تاریخ در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بسان تاریخ در قرآن بیشتر معطوف به «عبرت گرفتن از تاریخ» بوده است نه لزوماً تاریخ‌مندی حوادث (بیانات، ۱۳۷۸/۵/۸) بدین ترتیب وی بر آن است که عنصر تاریخ بدون دال و نشانه «عبرت»، بی‌فایده است. (بیانات، ۱۳۸۳/۴/۱۹)

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن قبول اهمیت عنصر سرزمین (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳ و ۱۳۷۸/۰۸/۱۲ و ۱۳۶۸/۰۷/۰۵ و ۱۳۷۹/۰۸/۲۴) بر آن است که امت، واحدی بزرگتر از ملت است که بر اساس آرمان‌ها و اهداف مشترک دنیای اسلام شکل می‌گیرد. (بیانات، ۱۳۸۶/۰۹/۱۴) در همین راستا وی با اشاره به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» تأکید می‌کنند که جهان اسلام باید اختلافات را

کنار گذاشته و با هماهنگی و با تکیه بر نقاط مشترک، وحدت را تأمین کنند. البته از نظر ایشان وجود نقاط اختلاف طبیعی است اما وحدت با وجود همین اختلافها معنا و مفهوم می‌یابد. (بیانات، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸ و ۱۳۶۹/۰۷/۱۶) عنصر و دال «امت واحد اسلامی» آنقدر در گفتمان آیت الله خامنه‌ای شفاف است که ایشان بر مسئولیت تاریخی ایران در این امت تأکید می‌کنند (بیانات، ۸۶/۱/۱۷ و ۱۳۸۹/۲/۱۵) و بر آن است که علی‌رغم تفاوت‌های تاریخی و جغرافیایی و سیاسی با قرآن به هم پیوند خورده‌اند. (بیانات، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸) البته ایشان نوعی خاص از ملیت را محترم می‌دانند؛ ملیتی که موجب نفی ملل و اقوام دیگر نشود. در واقع ایشان براساس گرایش‌های منفی و مثبت در بحث ملی‌گرایی، دو نوع مثبت و منفی ناسیونالیسم را مطرح می‌کنند. (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳)

آیت الله خامنه‌ای نژاد را ملاک هویت نمی‌دانند و با استناد به آیه ۱۳ سوره حجرات بر آن است که بین نژادها و زبان‌های مختلف تفاوتی نیست و اختلافات قومیتی و ناسیونالیستی به کلی با دیدگاه اسلام منافات دارد.

دو. الگوی هویت ملی آیت الله خامنه‌ای در حوزه گفتمانگی اسلام‌گرا

جریان - گفتمان اسلام‌گرا علی‌رغم از سرگذراندن از جاشدگی انقلاب اسلامی شاهد تغییرات زیادی در مفاهیم خود نبوده است؛ در همین راستا هر جا سخن از «خود» می‌شود بی‌گمان مفصل‌بندی آن مفاهیم با اسلام ایدئولوژیک و انقلابی است و هرگاه سخن از دگری می‌شود سخن از تهاجم غرب و عدم تعهد به انقلاب است.

آیت الله خامنه‌ای در مورد تهاجم غرب معتقد است: «من مسئله تهاجم، تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان‌بار تلقی می‌کنم»؛ (بیانات، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸) وی شرط موفقیت و مقابله با «دگر» ی یا دشمن را «تقویت ایمان و آگاهی و نگاه تیزبین به سرانگشتان فعال و خیانتکار دشمن» می‌داند (بیانات، ۱۳۸۱/۰۲/۳۱) «دگر» ی این جریان گفتمان بیشتر تلاش خود را معطوف به ضلع فرهنگی هویت نموده است.

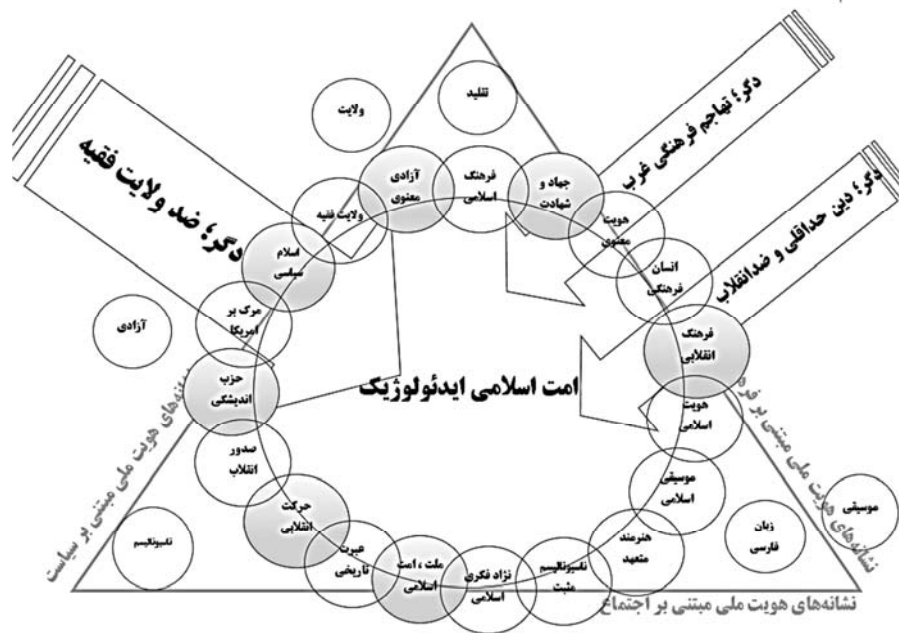
نمودار (۶) دال‌ها و دگرهای گفتمان هویتی آیت الله خامنه‌ای		
دال برتر: امت اسلامی ایدئولوژیک		
بخش	دال و عناصر شناور	دگرهای گفتمانگی
فرهنگی	فرهنگ اسلامی	فرهنگ غیراسلامی
فرهنگی	استقلال فرهنگی	استعمار فرهنگی

فرهنگی	دین حداکثری	دین حداقلی
فرهنگی	هویت معنوی	فرهنگ تهی از دین
فرهنگی	پالودن زبان فارسی	زبان مهاجم
اجتماعی	هویت امت اسلامی / هویت قرآنی	ملیت‌گرایی
اجتماعی	ناسیونالیسم مثبت	ناسیونالیسم منفی
اجتماعی	آگاهی از خود ایران اسلامی	خود فراموشی
اجتماعی	توجه به میراث تاریخی، فکری، معنوی	بیگانه شدن با گذشته تاریخی، معنوی
اجتماعی	نژاد مبتنی بر فکر	نژاد و قومیت‌گرایی
اجتماعی	مسئولیت تاریخی	بی مسئولیتی
اجتماعی	تاریخ پرافتخار گذشته	فراموشی تاریخ
اجتماعی	عبرت تاریخی	بی اعتنائی به تاریخ
سیاسی	صدور اندیشه انقلاب	صدور استعماری انقلاب
سیاسی	حزب اندیشگی	حزب قدرت
سیاسی	ولایت فقیه	ضد ولایت فقیه
سیاسی	استقرار حاکمیت الهی	حاکمیت شیطان
سیاسی	آزادی اسلامی	آزادی لیبرالی
سیاسی	اسلام سیاسی، اسلام ایدئولوژیک	اسلام غیر ایدئولوژیک، سکولاریسم
سیاسی	انقلاب دایمی / انقلاب ماندگار	ضد انقلاب
سیاسی	دشمنی با امریکا	اعتماد به امریکا
سیاسی	ضدیت با استکبار	سازش با استکبار

مطابق الگوی (۷) در نظر آیت الله خامنه‌ای «امت اسلامی ایدئولوژیک» دال مرکزی برای فهم هویت ملی است؛ مضمون اسلام‌خواهانه و فقهی در همه عرصه‌ها با مفهوم هویت ملی به‌عنوان زنجیر هم‌ارزی بهره‌برداری شده است به‌نحوی که حتی عناصر مثل هنر و موسیقی با ترازوی فقه سنجیده می‌شود؛ هر چند بعد از انقلاب تأکید بر رئیس‌جمهور شیعه ایرانی و خروج جلال فارسی از لیست منتخبین به دستور امام علیه السلام را می‌توان تأکیدی از هویت جمعی به هویت ملی دانست اما همچنان ایشان با عنصر «اسلام ایدئولوژیک» به مفصل‌بندی همه دال‌ها با اسلام می‌پردازند.

پس از استقرار خبرگان رهبری با محوریت روحانیت و پس از آن تدوین ولایت مطلقه فقیه، علی‌رغم وجود دال «تجدد حیات فکری اسلام» در همه جریان‌های اسلام‌گرا اما اختلاف در نحوه و پیاده‌سازی آن، سبب شد غیریت‌سازی با نشانه «ولایت مطلقه فقیه» صورت پذیرد و هژمونی اندیشه اسلام‌ایدئولوژیک در کشور منجر به تداوم عنصر «اسلام سیاسی و انقلابی» در گفتمان مذکور گردد. نگاهی گذرا به دال‌ها و نشانه‌های گفتمان آیت الله خامنه‌ای و دکتر شریعتی مبین این است که «ازجاشدگی» بزرگی مثل انقلاب اسلامی، علی‌رغم تأثیر و تغییر زیاد در مفاهیم دیگر گفتمان‌ها، در گفتمان اسلام‌گرا کمتر موثر افتاده است و عناصری که در تصویر ذیل با رنگ تیره، تفکیک شده‌اند بسیار شبیه و یا حتی همان عناصر قبل از انقلاب در حوزه اندیشه ورزی شریعتی است.

گفتمان آیت الله خامنه‌ای با رهبری جمهوری اسلامی، توانست عینیت بیشتری به خود بگیرد علی‌رغم اینکه این گفتمان در جریان - گفتمان اسلام‌گرا پیوستگی تثبیت شده مناسب و دائمی را به ارث می‌برد؛ اما هرازگاهی عناصر کمرنگ شده این جریان گفتمان دوباره بازسازی و ارائه شده است. به‌واقع بخش فرهنگی این گفتمان با تداوم در قدرت، گستره بیشتری به خود گرفته و اغلب در این بخش به غیریت‌سازی پرداخته و با بر شمردن مفاهیم «تهاجم فرهنگی، جنگ نرم، عملیات روانی، تبلیغات رسانه‌ای و...» برای مقابله بر «انسان فرهنگی» تأکید شده است.



الگوی (۷) گفتمان هویتی آیت الله خامنه‌ای

نتیجه؛ تحلیل تطبیقی الگوی هویت ملی جریان - گفتمان اسلام‌گرا

مک کی^۱ و مارش^۲ به دو علت تحلیل تطبیقی را ضروری می‌دانند اول: برای اجتناب از قوم‌مداری^۳ در تحلیل دوم: برای آزمون و شکل‌دهی مجدد نظریه‌ها، مفاهیم و فرضیه‌ها. (مک کی و مارش، ۱۳۷۸: ۲۸۲) به نظر هانترایس^۴ تنوع رویکردها در بین و درون رشته‌های گوناگون علمی ضرورت توجه به بررسی تطبیقی را بیشتر ساخته است. (هانترایس، ۲۰۰۹: ۳۶) به همین دلیل در این بخش ابتدا عناصر گفتمان هویتی هر یک از اندیشمندان قبل و بعد از انقلاب را در یک جدول تلفیق می‌کنیم و سپس عناصر و دال‌ها و دگرهای مشترک استخراجی را با هم مقایسه و بررسی خواهیم نمود تا به الگوی مدنظر تلفیقی منتخبان دست یابیم. در مقایسه دال برتر گفتمان دو منتخب، به مشابهت‌های زیادی خواهیم رسید چراکه هر دو بر امت، اسلام، ایدئولوژیک بودن دین، انقلاب و حتی انقلاب مستمر تأکید دارند دال برتر «امت اسلامی ایدئولوژیک» را برگزیدیم و نام گفتمان هویت ملی تلفیقی این دو نماینده را امت ایدئولوژیک نهادیم.

در بخش فرهنگی گفتمان هویت ملی این دو نماینده شاهد توجه به استقلال فرهنگی در برابر استعمار فرهنگی هستیم و این اصطلاح برای هر دو مورد تأکید است. در انتخاب دیگر دال‌های نیز می‌توان این شباهت را درک نمود. اگر شریعتی سخن از بازگشت به خویشتن اسلامی می‌کند و با تهی‌شدن فرهنگ انسانی از میراث اسلام ناب سخن به میان می‌آورد آیت الله خامنه‌ای هم، فرهنگ خالی‌شده از دین را تهی می‌داند و هر دو نگران اسلام مغفول مانده در انسانی هستند که میراث‌دار هویت فرهنگ اسلامی گذشته است.

در مقایسه عناصر گفتمانی هر دو متفکر، نشانه «جهاد» جایگاه ویژه‌ای دارد؛ با عنایت به اهمیت این عناصر، در اینجا فقط به بیان آنها در یک جدول تلفیقی تطبیقی خواهیم پرداخت. هر چند در گفتمان‌ها همواره معنایی بوده و هستند که به طور محدود و موقت در قلمروی تثبیت شده‌اند و به نحوی بنیادین تعمیم‌ناپذیر است و این یعنی ساختار کلیتی تام و تمام نیست. (پناهی و امینی، ۱۳۹۲: ۳۳)

نکته قابل تأمل در گفتمان دو اسلام‌گرا توجه به دین با تمامی قامت در فرهنگ، اجتماع و سیاست و بکارگیری عناصر آن بصورت ایدئولوژیک است اما شریعتی با بیان دین به‌مثابه راه نه هدف، دست ما را باز می‌گذارد تا بر این موضوع اندیشه کنیم که شاید ایده و آمال دین ایدئولوژیک وی تا مرحله رسیدن به انقلاب بوده است. به هرمنظور متفکر سیاسی پس از شریعتی، در جریان - گفتمان اسلام‌گرا به معنای فعلی «دین ایدئولوژیک» در تمامی زمان‌ها و یا «دین حداکثری» معتقد است و این دال شناور در

1. Mackie.
2. Marsh.
3. Ethnocentrism.
4. Hantrais.

گفتمان فعلی اسلام‌گرا با بقیه عناصر زنجیره هم‌ارزی را ساخته است. در بخش اجتماعی گفتمان هویتی، دو منتخب بر امت واحد اسلامی تأکید داشته و عنصر اندیشگی را بیش از عنصر خاک مهم دانسته‌اند بدین ترتیب امت ضمن مفصل‌بندی با اسلام ایدئولوژیک، با ملی‌گرایی افراطی غیریت‌سازی می‌نماید. این غیریت‌سازی بعد از انقلاب هم در جریان گفتمان اسلام‌گرا ادامه داشته و شاهد دامنه تأثیر آن بر نهادهای سیاسی و اجتماعی هستیم به‌نحوی که کمتر از عناصر باستانی به‌عنوان نماد هویت ملی یاد می‌شود.

در مقایسه دگرهای اجتماعی گفتمان هویتی هر دو، شاهد غیریت‌سازی با دگر «گسست تاریخی، اجتماعی، تمدنی» هستیم اما با این تفاوت که شریعتی این گسست را در برابر تداوم و پیوستگی کلیه نسل‌ها قرار می‌دهد ولی آیت الله خامنه‌ای بر گسست تاریخی از اسلام بیشتر تأکید دارد. با عنایت به هژمونی جریان گفتمان اسلام‌گرا می‌توان دال اثرگذار تلفیقی - تطبیقی را همان «گسست تاریخ اسلامی» و یا «بیگانه شدن با عنصر گذشته معنوی» فهم نمود؛ هر چند شریعتی از شیعه با عنوان میعادگاه روح آریایی و سامی یاد می‌کند اما این تأکیدات در حوزه گفتمانگی نماینده بعد انقلاب جایی ندارد. با مقایسه عناصر موجود در گفتمان هر دو، در خواهیم یافت که کمترین «وقته یا لحظه» در حوزه گفتمانی این دو متفکر سیاسی وجود داشته است. با نگاهی به تعریف ناسیونالیسم مثبت و دگرسازی با ناسیونالیسم مثبت در خواهیم یافت که اندیشه اخیر نیز شباهت بسیاری با حوزه گفتمانگی شریعتی دارد. زنجیر نمودن همه عناصر موجود در دو گفتمان به کمک اسلام ایدئولوژیک تفاوت دو گفتمان را پوشش می‌دهد و به‌خوبی به تلفیق و تطبیق و انسجام این دو می‌توان رسید. در بخش سیاسی گفتمان هویتی این دونماینده با تأکید بر عنصر انقلاب، انقلاب دایمی، صدور انقلاب (بعد از جاشدگی انقلاب اسلامی) ... مواجه می‌شویم.

هر دو اندیشمند حزب را با اسلام مفصل‌بندی نموده و یکی آن را با حزب شیطان غیریت‌سازی می‌کند و دیگری از غیریت‌سازی با تشیع نهادی شده سخن به میان می‌آورد هر چند به هنگام مطالعه دگرهای گفتمانی خود، حزب اندیشگی و حزب بر محور اندیشه از دال‌های مشترک گفتمان شریعتی و خامنه‌ای است. پیرامون شکل حکومت هر دو بر وجه دینی و اسلامی آن تأکید داشته و بر آن هستند که دموکراسی غربی نمی‌تواند ایدئال حکومتی در ایران را تأمین نماید و در مورد سکولاریسم، هر دو بر این موضوع که آن نوع حکومت مختص جامعه‌ای است که سکولاریسم در آن متولد شده از پذیرش این نوع حکومت در ایران سرباز می‌زنند و البته در گفتمان آیت الله خامنه‌ای با عنایت به اینکه در گذر زمان تغییراتی را به خود دیده «ولایت مطلقه فقیه» بهترین نوع حکومت است و با آن به شکل ویژه‌ای بعد از انقلاب اسلامی غیریت‌سازی می‌نماید. حضور توده‌های مردمی در روند انقلاب و مشارکت توده‌ای در گفتمان هر دو اندیشمند ملاحظه می‌شود و این را عامل مهمی برای عنصر انقلاب دائمی فرض می‌شود.



الگوی (۸) گفتمان هویت ملی تلفیقی - تطبیقی منتخبان اسلام‌گرا

جدول (۹) دال‌ها و دگرهای گفتمان هویتی تلفیقی و تطبیقی نمایندگان اسلام‌گرا		
دال برتر: امت اسلامی ایدئولوژیک		
بخش	دال و عناصر شناور	دگرهای گفتمانی
فرهنگی	استقلال فرهنگی	استعمار فرهنگی
فرهنگی	خویش‌تن اسلامی	انسان بی‌هویت و تهی از دین
فرهنگی	جهاد فرهنگی / جهاد اسلامی / جهاد اقتصادی / جهاد سیاسی / فرهنگ جهادی / روحیه جهادی	تهاجم فرهنگی / پشت کردن به دشمن / عوام زدگی
فرهنگی	فرهنگ مستقل و انقلابی	الیناسیون / تهاجم فرهنگی / انحلال در فرهنگ غرب
فرهنگی	اسلام ایدئولوژیک	اسلام غیر ایدئولوژیک
فرهنگی	دین حداکثری / دین سیاسی	دین حداقلی
فرهنگی	انسان فرهنگی	انسان بی‌فرهنگ
فرهنگی	زبان حامل فرهنگ	زبان مهاجم
فرهنگی	بالودن زبان فارسی	زبان استعمارگر و بیگانه
اجتماعی	ملت، امت واحد اسلامی	ملیت‌گرایی

اجتماعی	تداوم و پیوستگی نسل‌ها	گسست تاریخی و اجتماعی
اجتماعی	توجه به میراث تاریخی، فکری، معنوی	بیگانه شدن با گذشته تاریخی، معنوی
اجتماعی	ناسیونالیسم مثبت	ناسیونالیسم منفی
اجتماعی	نژاد مبتنی بر فکر	نژاد و قومیت گرابی
اجتماعی	آگاهی از خود ایران اسلامی	خود فراموشی / نژادپرستی
اجتماعی	باور تاریخ پرافتخار گذشته / عبرت تاریخی	فراموشی تاریخ
سیاسی	حزب اندیشگی	حزب قدرت
سیاسی	حکومت دینی (اسلامی)	حکومت غیردینی
سیاسی	آزادی معنوی	آزادی کثیف / آزادی جنسی / آزادی پوچ
سیاسی	اسلام سیاسی	سکولاریسم
سیاسی	انقلاب دایمی / انقلاب ماندگار / انقلاب زنده	ضدانقلاب / انقلاب مرده
سیاسی	دموکراسی هدایت شده	دموکراسی تمام
سیاسی	دموکراسی توده‌ها / جامعه مدنی نبوی	دموکراسی زبده‌ها / جامعه مدنی

منابع و مأخذ

۱. احمدی، حمید، ۱۳۹۰، بنیادهای هویت ملی ایرانی (چارچوب نظری هویت ملی شهروند محور)، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چ دوم.
۲. افتخاری، اصغر و اسدی، علیرضا و نزهت، ابراهیم، ۱۳۹۳، «ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س سوم، ش ۱۱، تابستان، ص ۴۳ - ۱۹.
۳. پناهی، محمدحسین و امینی، سعیده، ۱۳۹۲، «تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، ش ۲، تابستان، ص ۵۸ - ۲۸.
۴. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۴، روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران، ناشر فرهنگ گفتمان.
۵. توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۴، ایدئولوژی و روشنفکری از منظر دکتر شریعتی، در: محمدعلی زکریایی.
۶. جلایی پور، حمیدرضا، ۱۳۹۲، جامعه شناسی ایران، جامعه کژمدرن، تهران، علم.
۷. حاجیانی، ابراهیم، ۱۳۷۹، «تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۱۰، ش ۵.

۸. حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۳، ۱۴ سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. خرمشاد، محمدباقر و سرپرست سادات، سیدابراهیم، ۱۳۸۹، «روشنفکر ایرانی و هویت در آینه بحران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، ش ۲، تابستان، ص ۶۰-۲۷.
۱۰. _____، ۱۳۹۲، «جریان‌شناسی سیاسی به مثابه روش»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، ش ۲، بهار ۱۳۹۲، ص ۹۰-۶۱.
۱۱. رواسانی، شاپور، ۱۳۸۰، زمینه‌های اجتماعی هویت ملی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
۱۲. رهنما، علی، ۱۳۸۱، چهره‌نگاری علی شریعتی آرمان‌گرای اسلامی، ترجمه: مجید نکودوست، تهران، حسینیه ارشاد.
۱۳. سیدقطب، ۱۳۷۸، نشانه‌های راه، ترجمه محمود محمودی، تهران، نشر احسان.
۱۴. _____، ۱۹۸۳، معالم فی الطریق، القا، دارالشروق.
۱۵. شریعت رضوی، پوران، ۱۳۷۶، طرحی از یک زندگی، چ ششم ۱۳۷۸، تهران، چاپخش.
۱۶. شریعتی، احسان، ۱۳۹۴، درک صحیح عقاید شریعتی مستلزم شکل‌گیری گفتمانی نو است (سخنرانی احسان شریعتی در نشست «انسان، آزادی، انتخاب» در سالن شورای مجتمع دکترعلی شریعتی جهاددانشگاهی مشهد)، مهرماه، خبرگزاری ایسنا.
۱۷. شریعتی، علی، ۱۳۷۵، مجموعه آثار، ج ۴، تهران، دفتر تدوین و نشر آثار دکتر علی شریعتی.
۱۸. _____، ۱۳۵۸، امت و امامت، اسفندماه، تهران، قلم.
۱۹. _____، ۱۳۷۳، مجموعه آثار، ج ۱، چ ششم، تهران، قلم.
۲۰. _____، ۱۳۷۳، مجموعه آثار، ج ۲، تهران، قلم.
۲۱. _____، ۱۳۷۳، مجموعه آثار، ج ۲۰، چ ششم، تهران، قلم.
۲۲. _____، ۱۳۷۵، مجموعه آثار، ج ۵، چ ششم، تهران، الهام.
۲۳. _____، ۱۳۷۹، مجموعه آثار، ج ۲۵، تهران، چاپخش.
۲۴. _____، ۱۳۷۹، مجموعه آثار، ج ۷، تهران، چاپخش.
۲۵. _____، ۱۳۷۹، مجموعه آثار، ج ۱۰، تهران، چاپخش.
۲۶. _____، ۱۳۷۹، مجموعه آثار، ج ۱۳، هبوط در کویر، تهران، چاپخش.
۲۷. _____، ۱۳۷۹، مجموعه آثار، ج ۱۶، تهران، چاپخش.
۲۸. _____، ۱۳۷۹، مجموعه آثار، ج ۳۱، تهران، چاپخش.

۲۹. شفیعی فر، محمد، ۱۳۷۸، *درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۳۰. صنیع اجلال، مریم، ۱۳۸۴، *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران، موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
۳۱. عضدانلو، حمید، ۱۳۸۰، *گفتمان و جامعه*، تهران، نشر نی.
۳۲. غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۸، «منطق پژوهش تطبیقی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، زمستان، دوره ۳، ش ۴.
۳۳. فراستخواه، مقصود، ۱۳۹۰ ب، «شریعتی، جامعه شناسی دین و ایدئولوژی»، *مهرنامه*، ۱۳۹۰، خرداد، ش ۱۲، ص ۷۵ - ۷۴.
۳۴. فرامرزراملکی، احد، ۱۳۸۰، *روش شناسی مطالعات دینی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۵. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۰، *زن ایرانی هویتی تعریف نشده*، جامعه و فرهنگ، ج چهارم.
۳۶. کاستلز، امانوئل، ۱۳۸۴، *گفتگوهای با مانوئل کاستلز*، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جو افشانی، تهران، نشر نی.
۳۷. کچویان، حسین، ۱۳۸۴، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد*، تهران، نشر نی.
۳۸. گل محمدی، احمد، ۱۳۸۰، «جهانی شدن و بحران هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س دوم، ش ۱۰.
۳۹. مارش، دیوید و استوکر، جری، ۱۳۷۸، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه: امیرمحمد حاجی یوسفی، چ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۰. مسکوب، شاهرخ، ۱۳۷۹، *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران، نشر فرزانه روز، چ نخست.
۴۱. مشکانی، عباسعلی و مشکانی، عبدالحسین، ۱۳۹۰، «پارادایم فقه حکومتی با محوریت دیدگاه‌های آیت الله العظمی خامنه‌ای»، *معرفت*، س بیستم، ش ۱۶۸، آذر ۱۳۹۰، ۷۵ - ۵۳.
۴۲. منوچهری و همکاران، ۱۳۸۷، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران، سمت.
۴۳. ویسی، امیر، ۱۳۹۱، *زندگی نامه آیت الله خامنه‌ای در حلقه علمی شریعتی*، بخش هفتم، قابل دسترسی در سایت رادیو فردا، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۷/۲۳.
۴۴. یوسفی اشکوری، حسن، ۱۳۷۸، *شریعتی و نقد سنت*، تهران، یادآوران.

45. *Cambridge advanced Lerner, s dictionary*, 1980.

46. Hantrais, Linda, 2009, *International Comparative Research*, New York: Palgrave.

47. Harper, J, 2006, *Identity Crisis: How Identification is Overused and Misunderstood?*, CATO INSTITUTE: Washington D.C.

48. <http://www.khemenei.ir>.